

الطاف الهی نسبت به بندگان در آینهء نهج البلاغه

صادق کلانتری منش^۱

^۱ دبیر آموزش و پرورش

چکیده

تقویت روحیهء شکرگزاری از پروردگار جهانیان است، و البته فراموشی این عنایات نیز از عوامل قدم نهادن در مسیر عدم طاعت خداوند متعال است. نعمات خداوند بسیار زیاد و غیر قابل شمارش اند، اما این پژوهش با محوریت پاسخ دهی به این پرسش که الطاف خداوند نسبت به بندگان از زبان امیر بیان امام علی (علیه السلام) در کتاب نهج البلاغه چه مواردی هستند، به روش اسنادی و مراجعه به منابع کتابخانه ای خصوصاً نهج البلاغه و شیادآوری الطاف و عنایات خداوند متعال از عوامل مهم و اساسی در افزایش حس امیدواری به آینده و همچنین روح و کتب مربوط به آن، شکل گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد، الطاف و عنایات پروردگار نسبت به انسان ها بی شمار و فراگیر است و همگان می توانند از آنان بهره مند شوند و البته که رحمت و مهربانی خداوند را می توان فراتر از غضب و انتقامش دانست. بنابراین به استناد یافته های پژوهش، عنایات و الطاف خداوند که در نهج البلاغه به آن ها اشاره شده است عبارتند از: فرصت توبه و بخشش گناه گنه کاران، امید بخشی به انسان، تبدیل و اضعاف حسنات، استجابت دعا، تاخیر در عذاب و ثبت معاصی و همچنین امتحان و ابتلای انسان به گرفتاری و در پی آن افزایش درجات معنوی او، که همگی علاوه بر آنکه مشوق انسان برای ادامهء مسیر بندگی و طاعت خداوند است، باعث سوق دادن انسان به سمت قدرشناسی الطاف الهی می شود.

واژه های کلیدی: لطف، بندگان، نهج البلاغه، الطاف الهی

مقدمه

امروزه یکی از مسائلی که انسان همواره باید بدان واقف باشد و در طول زندگی و ایام روزمره خویش پیوسته به خود و دیگران متذکر شود، یادآوری الطاف الهی نسبت به آدمی و عنایات و امتیازاتی است که انسان از آن پیوسته بهره مند بوده و هست.

«درواقع نعمت های الهی دارای این دو وصف است: هم وسیع است و گسترده و هم دائم و مستمر و پی در پی و این هم نیست جز بخاطر قدرت بی پایان و لطف بی انتهای او که انسان را همیشه غرق نعمت های خود می سازد و لحظه ای او را محروم نمی دارد» (مکارم شیرازی ۱۳۷۵) شاید بتوان گفت یکی از عوامل مهم در ترک دینداری و یا سهل انگاری در طاعت خداوند، فراموشی الطاف و نعم فراوان و همه گیر خداوند متعال توسط انسان است. چراکه قدم نهادن در مسیر معصیت و ترک طاعت از درب فراموشی نعمت و کفران آن انجام میشود و راه را برای انجام معاصی گوناگون هموارتر می سازد.

بنابراین اهمیت این پژوهش از دوجنبه قابل بررسی است. اول: پرداختن به جوانبی از توجه و عنایت خداوند متعال و لطف سرشار ایشان نسبت به مخلوقات خویش خصوصا انسان است که میتواند ثمره ای مانند توجه بیشتر بندگان به ساحت باری تعالی و امید به آینده و انجام طاعت را بدنبال داشته باشد. همچنین تاثیر مضاعفی در عمیق تر کردن و جهت دار کردن شکرگزاری انسان خواهد داشت. دوم: بررسی این موضوع حول محور کتاب شریف نهج البلاغه و سخنان حکیمانه امیربیان امام علی (علیه السلام) است که می تواند جنبه ای منحصر به فردی را در تحقیق پیرامون این کتاب به پژوهش ما ببخشد.

طبق آنچه گفته شد و سوالاتی که مطرح می شود باید در این مقاله به این نتیجه برسیم که لطف و عنایت خداوند نسبت به بندگان در چه زمینه ها و مواردی بوده است و همچنین امیر مومنان علی (علیه السلام) در کتاب نهج البلاغه چه الطافی از خداوند متعال را برشمرده و بدان ها اشاره نموده است؟

باتوجه به این سوالات مطرح شده، فرضیه هایی مطرح می شود: خداوند متعال علاوه بر الطافی که نصیب عامه مردم میکند مانند خلقت و هدایت آنان که به نوبه خود نوعی احسان و خوبی در حق آنان است، نوعی دیگر از عنایات و الطاف خود را شامل بندگان خاص خود می کند، نظیر ریزش نعمت ها و برکات، فرصت توبه و جبران گذشته، درنگ در عذاب و دریغ از جرمه بعضی از بندگان، اصل تحویل و تبدیل حسنات و ... که در این تحقیق به بررسی و شرح آنان خواهیم پرداخت.

مبانی تحقیق

طبق بررسی های صورت گرفته پیرامون تحقیقات مشابه با مقاله حاضر، در باب موضوع الطاف الهی نسبت به بندگان کتاب ها و مقالات و پایان نامه هایی تدوین شده اند. کتاب «جلوه هایی از دریای بیکران مهر و محبت و اسعه الهی در قرآن و روایات» (زهرآیت ۱۳۹۸) پیرامون دعا و شرایط و آثار آن و سپس گوشه هایی از جود و کرم، احسان و رحمت و رأفت الهی در ادعیه معصومین و همچنین در مورد قرب به خداوند شکر او و ... مطالبی را آورده است، اما بطور خاص و موردی الطاف خداوند خصوصا در نهج البلاغه را نیاورده و بدان اشاره ای ننموده است. در مقاله ای تحت عنوان «رحمت الهی و رزق بندگان در هستی شناسی قرآن» منیرالسادات پورطولمی (۱۳۸۹) به موارد لطف و رحمت الهی در آیات قرآن کریم اشاره کرده است. همچنین در پایان نامه ای با موضوع «اسباب و موانع الطاف الهی در صحیفه سجاده» سیدمحسن رضایی (۱۳۹۶) به بررسی

نیایش های امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجاده و پژوهش حول الطافی چون نعمت وجود، دین اسلام، هدایت، توبه، وحدت و ... پرداخته است. اما آنچه که در پژوهش حاضر قابل توجه است، بررسی الطاف و نعماتی است که در کلام امیرالمومنین علی (علیه السلام) حول محور کتاب شریف نهج البلاغه بدان پرداخته شده است، چیزی که در هیچ تحقیقی تا کنون بدان اشاره نشده است.

یافته ها

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در سخنان خود اعم از خطابه ها و نامه ها و جملات حکیمانه پیرامون وحدانیت، هدایت ها، خلقت و الطاف خداوند متعال، سخن بسیار فرموده اند. مسلمان پی بردن به این مسائل و آنان را با گوشت و خون خود درک کردن، باعث می شود پیوسته شکرگزاری از خداوند و طاعت او سرلوحه زندگی و امور روزمره انسان قرار گیرد.

امام علی (علیه السلام) در خطبه موسوم به غراء خداوند را به سبب نعم و الطاف او ستایش می کند «أحمدُ علی عواطفِ کرمه و سوابعِ نعمة... او را بر بزرگواری های پی درپیش و نعمت هایی فراوان و کاملش سپاس می گویم» (...خطبه ۸۳ همچنین می فرماید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ وَالْبَاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ... سپاس و ستایش خدای را که فضل و احسانش را در میان آفریدگان پراکنده و دست جودش را در میان آنان گشود»... خطبه ۱۰۰). حال به بررسی چند جنبه از عنایات ویژه خداوند متعال نسبت به انسان ها می پردازیم هرچند که همگی بدان واقفیم که «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هرگز نمی توانید آنها را به شمار آورید). نحل. (۱۸) اما قصد ما پرداختن به الطافی است که امیرالمومنین در سخنان خود در کتاب نهج البلاغه به آن ها اشاره نموده است، که در این مقاله بدانها خواهیم پرداخت.

۱- فرصت توبه و بخشش گناهان

هنگامی که انسان بر سیل طاعت و عبادت خداوند متعال باشد، راه خود را برای رسیدن به کمال و انسان کامل شدن، بسیار هموارتر کرده است. در این میان ارتکاب معاصی و قدم گذاشتن در طریق عدم طاعت خداوند خواه بصورت عمدی یا سهوی، مسبب در راه ماندگی انسان و عامل محرومیت از لقاءالله و به فعلیت رساندن خلیفه الهی است.

خداوند متعال که دائم الفضل علی البریه بودنشان بر هر انسان عاقلی مبرهن است، برای جبران این کاستی ها و شکست های مقطعی، راهی بنام «توبه» را پیش روی انسان قرار داده است. بارها در آیات و روایات مختلف خداوند متعال به این عنایت خویش اشاره کرده است و انسان خطاکار را به تمسک به آن تشویق نموده است. بطور مثال در قرآن کریم خداوند می فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» آیا ندانسته اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را دریافت می کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه پذیر و دانا است. (توبه ۱۰۴) همچنین در آیه ای دیگر میفرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از گناهان در می گذرد و آنچه را انجام می دهید، می داند). شوری (۲۵) بنابراین از این لطف و عنایت پروردگار همگان اعم از نیکوکار و گناهکار بهره مند خواهند شد اگر به آن تمسک جویند.

امام علی (علیه السلام) در وصیت خویش که به امام حسن (علیه السلام) داشته بودند، به مسئله توبه و قبول آن توسط خداوند متعال با تعبیری زیبا و لطیف بدین مسئله اشاره می نمایند ۱-: اگر گناهی مرتکب شدی تورا از توبه بازت نداشت «وَلَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ» ۲- «و بر بازگشت بسویش نکوهشت نکرد» «وَلَمْ يُعِيرَكَ بِالْإِنَابَةِ» ۳- «و در پذیرش توبه ات سخت نگرفت» «وَلَمْ يَشْدُدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ» ۴- «توبه و طلب خشنودیش را به رویت گشوده است» «وَفَتَحَ لَكَ بَابَ الْمُتَابِ» (نامه (۱۳۱) این موارد نمونه هایی از تذکر و یادآوری عنایات خداوند متعال نسبت به بندگان خویش است که امیرمومنان علی (علیه السلام) (خطاب به فرزندش امام حسن) علیه السلام (فرموده اند. چراکه یادآوری الطاف خداوند متعال برای جوانان تاثیر شگرفی بر نگرش آنان نسبت به خداوند متعال دارد و همچنین مشوق و امیدوارکننده آنان برای قدم نهادن در مسیر طاعت خداوند و یاحتی شروع مجدد مسیر بندگی خواهد بود.

همچنین امیر مومنان علی (علیه السلام) (در سخن دیگرشان در باب توبه و بخشش گناهان می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَ يَقْلَعَ مُقْلَعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْاسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَ رَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ» «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ» «(فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْراً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ وَ اسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ وَ بَادَرَ مَنِيَّتَهُ خداوند بندگان را وقتی که مرتکب گناهی می شوند، به کاسته شدن میوه ها، و بازداشتن برکات، و فرو بستن خزاین خیرات می آزماید، تا توبه کننده ای توبه کند و گناهکاری دل از گناه برکند، و پندگیرنده ای پند گیرد و خودداری کننده ای از گناه باز ایستد. خداوند سبحان استغفار را موجب فراوان شدن روزی و نزول رحمت بر خلائق قرار داد، و فرمود: «از خداوند آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شمارا به اموال و فرزندان مدد دهد» خدا رحمت کند کسی را که به توبه روی آورد، و از گناهش عذر بخواهد، و پیش از فرارسیدن مرگ به کارهای شایسته بپردازد) خطبه (۱۴۳) باتوجه به این سخن امام علی (علیه السلام) (راه رهایی از مشکلات و بلاها، دوری از گناهان و توبه به درگاه خداوند است چراکه علت اصلی مشکلات انسان ها عدم طاعت خداوند است که خداوند متعال از لطف و کرم خویش راه رهایی آن را نیز پیش روی انسان قرار داده است.

همانا بدینگونه از امتحان	کند آزمایش خداوند جان
که تا آنکه از صدق توبه کنند	جبین بر زمین اطاعت نهند
گنه را ز پیرامن خویشتن	برانند از خلوت و انجمن
بگیرند پند و پذیرند پند	که تا باز دارند جان از گزند
همانا ز زشتی بتابند روی	شوند از حقیقت همه نیکخوی
همین آفریننده ماه و مهر	طلب کردن مغفرت را ز مهر
بافزودن رزق در مرتبت	سبب ساخته ای نگو منزل) ایراندوست قرن (۱۴)

آری، آدمی پس از شکست در مسیر خود، مادامی که راهی برای بازگشت خود پیدا نکند و روزه امید برای او وجود نداشته باشد، امید خود را برای ادامه مسیر بندگی از دست خواهد داد و به نوعی در مسیر کمال و لقاءالله شکست خورده واقعی به شمار خواهد آمد. به این ترتیب با در نظر گرفتن این مسئله، به اهمیت و ضرورت این لطف خداوند نسبت به بندگان دوچندان پی خواهیم برد.

-اعطای امید

از موضوعاتی که در آیات و روایات و کلام معصومین بسیار بدان اشاره و تاکید شده است، مسئله رجاء و امید به فضل و رحمت پروردگار متعال است. دنیا محل نزول سختی و بلا و مکانی است که دشمنان اعم از انس و جن از تمام نیرو و امکانات خود برای بازداشتن انسان از مسیر طاعت خداوند و ناامیدی او از الطاف الهی، استفاده می کنند. انسان در این میان با کم کاری و دل بستن به غیر خداوند، در معرض پذیرفتن شکست و مغلوب شدن قرار دارد. حال اگر شکست را قبول کند و خود را بازنده حقیقی و دائمی بداند و از ادامه مسیر کمال منصرف شود، دیگر پلی برای بازگشت و رسیدن به هدف نمی یابد. اینجاست که خداوند متعال سخن از امیدواری به رحمت خود را به میان می آورد و چنان روحیه ای به انسان شکست خورده عطا می کند که گویا از پله اول کار خود را آغاز کرده است.

از امید بخش ترین آیات قرآن کریم که باور به آن دل خشکیده از ناامیدی انسان را رویشی تازه و نفسی مجدد می بخشد، این آیه است که خداوند متعال می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «بگو ای بندگان من که بر خود زیاده روی کردید، از رحمت خدا نومید نشوید یقیناً خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (زمر: ۵۳)

تصور کنیم چنین فرصتی از طرف خداوند متعال به انسان داده نمی شد، آن گاه خشکی و جمودی در مسیر کمال انسان و توقف در این طریق را شاهد بودیم. اما چنین کاری از خداوندی که بارها بر امید داشتن به رحمت خویش تاکید داشته و نومیدی از لطف و رحمتش را از گناهان کبیره به شمار آورده است، بسیار بعید به نظر می رسد.

خداوند متعال چنان اهمیتی به امید به لطف و رحمت خویش داده است که آن دسته از افرادی را که از رحمت او نومید شده اند را در زمره کافران به خویش به شمار آورده است: «لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» «و از رحمت خدا مایوس نباشید زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مایوس نمی شوند» (یوسف: ۸۷) همچنین می فرماید: «وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شوند؟» (حجر: ۵۶) وقتی در لا به لای حمد و ستایش های خداوند متعال توسط امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه جست و جو می کنیم، اهتمام و تاکید آن حضرت به امید به فضل و رحمت خداوند را مشاهده می کنیم. برای نمونه خطاب به فرزندش امام حسن (علیه السلام) (پس از شمردن عنایات و الطاف خداوند، می فرماید: «وَلَمْ يُؤْسَكْ مِنَ الرَّحْمَةِ...» و از رحمت نومیدت نساخت)... نامه. (۳۱) همچنین در ابتدای خود از خداوند به رحمت او و تاکید بر نومید شدن از فضل او اشاره می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَقْنُوطٍ مِنْ رَحْمَتِهِ...» سپاس و ستایش خداوند را که رحمتش جای نومیدی ندارد) ... خطبه (۴۵) ابن میثم در شرح این عبارت نومید شدن از رحمت الهی و تمسک به فضل او را با استدلالی زیبا بیان می دارد: «این ویژگی حق تعالی، چیزی است که عقل آن را اثبات می کند. زیرا بنده بهنگام دریافت توجّهات خداوندی و دستیابی به نعمتهای الهی، ارتباط تمام موجودات را جزئی و کلی به مدبری حکیم درک می کند و می داند که هیچ چیز خالی از مصلحت و حکمت نیست؛ بنا بر این استنباط می کند، که خداوند هر چیزی را برای مصلحتی خاص ایجاد کرده، و بدین منظور از وی پیمان عبادت و پرستش گرفته شده است. تا به بارگاه اصلی و مبدأ آغازین که همانا ثبوت توحید و ستایش مطلق است جذب شود و از آتش فروزان، و جهنمی سوزان در امان بماند؛ و مصداق «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» «جن و انس را جز برای اینکه مرا پرستند نیافریدیم» ذاریات (۵۶) جلوه گر شود. بدین لحاظ از روح و رحمت حق بهنگام نزول امور واجبه، از چیزهایی که شر و بدی محسوب می گردند مایوس نمی شود، بلکه به امیدواری اش مطمئن تر گشته و قلبش به دریافت توجّهات حق تعالی وابسته تر می شود، زیرا جز کسانی که قوه بینائی دلشان را از دست داده

اند و اسرار خداوندی را درک نمی‌کنند، ناامید نمی‌گردند. آری آنان در ستمگریشان مدهوش‌اند و همانها زیان کارانند» (ابن میثم . ۱۳۷۵) بنابراین خداوند با اعطای امید به انسان قلب و روح او را برای زندگی مجدد احیا می‌کند و فرصتی مجدد برای قدم نهادن در طریق الی الله به او می‌بخشد.

۳- تبدیل و اضعاف حسنات

خداوند متعال محاسبه اعمال بندگان خود را به گونه ای مقرر نموده است که بنده ضعیف خود نهایت بهره را از بخشش او ببرد و این کار جز از لطف و عنایت بی انتهای خداوند بر نمی‌آید.

با توجه به اهمیت محاسبه اعمال خوب و بد انسان ها، دعای بنده پیوسته باید اینگونه باشد که خداوند با فضل و کرم با ما برخورد کن نه با عدالت، چراکه برخورد خداوند با عدالتش مسلماً نتیجه ای جز خسران برای انسان بدنبال نخواهد داشت.

از مواردی که لطف و کرم بی انتهای خداوند جهانیان را برای انسان مبرهن می‌سازد و به نوبه خود تشویق کننده انسان برای حرکت در مسیر الی الله است، مسئله تبدیل سیئات و بدی های انسان به حسنه و خوبی و همچنین چند برابر کردن حسنات او در پرونده اعمالش است.

پس از قبول توبه بنده خاطی و اعطای فرصت مجدد برای جبران نواقص گذشته که این نیز به تنهایی می‌تواند گواه سرشار او به بندگان خویش باشد، خداوند به این نیز اکتفا نمی‌کند و از آنجاییکه لطف و رحمت او فراگیر و پیوسته بدنبال آنست تا بنده خود را مشمول الطاف خود سازد، بنابراین گناهان شخص توبه کار را علاوه بر محو نمودن از پرونده اعمالش، این معاصی را به حسنه و خوبی مبدل می‌سازد، چنانچه در قرآن کریم فرموده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند که خدا بدی هایشان را به خوبی تبدیل می‌کند، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است). فرقان (۷۰)

با این وجود نباید از این نکته غافل ماند که شرط برخورداری از این امتیاز ویژه خداوند به توجه به آیه بالا، توبه و ایمان به خداوند و در پی آن انجام اعمال صالح است و جز این راه، این عنایت مشمول او نخواهد شد.

این اصل در امور روزمره انسان نیز می‌تواند اصل و اساس قرار گیرد، به گونه ای که مثلاً یک معلم یا مربی تربیتی زمانی که دانش آموز ضعیف و کم کار خود را مشاهده می‌کند نواقص گذشته خود را جبران نموده است و در مسیر تلاش و پشتکار و رقم زدن شرایط نو گام نهاده است، او نیز برای امیدوار ساختن او و همچنین تشویق برای ادامه دادن این مسیر، نواقص و کم کاری های او را نادیده می‌گیرد و چه بسا هدایایی نیز برای او در نظر خواهد گرفت تا ادامه کار را با روحیه ای دوچندان طی نماید. بنابراین و با توجه به آنچه گفته شد، این لطف خداوند نیز از الطافی است که می‌تواند مشوقی برای قدم نهادن در طریق الی الله باشد.

اضعاف حسنات و چندبرابر کردن خوبی ها نیز از دیگر عنایات خداوند نسبت به بندگان خود است. گام نهادن در مسیر بندگی و امید و روحیه بیشتر در این مسیر، با روشی چون چندبرابر کردن خوبی ها، بسیار می‌تواند برای انسان کارآمد و روحیه بخش باشد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» هرکس کار نیک بیاورد پاداش ده برابر آن است (انعام (۱۶۰) همچنین می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ

سُبُلُهُ مَائُهُ حَبَّةٌ «مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند ، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد». بقره (۲۶۱)

آنچه در قرآن کریم من باب اضعاف حسنات می بینم، دوبرابر ، ده برابر و حتی هفتصد برابر نمودن حسنات است، اما آنچه که مورد توجه است و برای انسان اهمیت دارد، ارزش فراوان عمل حسنه در نزد خداوند متعال است که در صورت عمل و اهتمام به آن ، خداوند بهای چندبرابر به آن داده و در پرونده اعمال انسان بیش از حد معمول ثن ثبت ضبط خواهد شد. امام علی (علیه السلام) (در باب اهمیت دادن خداوند به امورات خیر انسان چنین می فرماید: «مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ». هرکس بادست کوتاه ببخشد ، با دست بلند به او ببخشند) «حکمت» (۲۳۲) هر که عطا کند بدست کوتاه، یعنی دست کوتاه خود عطا کرده شود بدست بلند، یعنی بقدرت حق تعالی، و استعمال «دست» در باره حق تعالی بمعنی قدرت مجازست شایع، و در قرآن مجید نیز واقع شده چنانکه فرموده: «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» «دست خداوند بالاتر از دست های ایشان است» «خوانساری» (۱۳۶۶).

همچنین امیرمؤمنان (علی) علیه السلام (در وصیت خویش به فرزندش امام حسن) علیه السلام (به این نکته اشاره می فرماید: «وَحَسَبَ سَيِّئَتَكَ وَاحِدَةً وَحَسَبَ حَسَنَتَكَ عَشْرًا». کار بدت را یکی و کار نیکت را ده تا به شمار آورد) «نامه» (۳۱) در بخش اول این جمله به عدالت خداوند در زمینه ثبت خطاها و معاصی انسان اشاره می کند که ذره ای از آن تخلف نمی کند . خداوند از راه عدالت خارج نمی شود و بر گناهی بیش از آن کیفر نمی دهد و شاید نیز به کلی آن را ببخشد) مغنیه (۱۳۸۷) در بخش دوم این جمله نیز به لطف خداوند نسبت به بنده اش در زمینه ثبت حسنات او اشاره دارد. چنین کاری جز از کسیکه دارای لطف و مرم بی انتها است بر نمی آید و چه بسا با در نظر گرفتن این امتیاز ویژه خداوند ، انگیزه انسان برای انجام کارهای نیک چندبرابر گردد و حسنات و اعمال صالحش در کفه سنگین ترازوی اعمالش قرار گیرند.

۴- استجابت دعا

دعا کردن و طلب حاجت از خداوند متعال بهترین راه ارتباط خالق و مخلوق و انس گرفتن با سرچشمه کمالات است. چراکه مخلوق پیوسته به خالق خود نیازمند است و برای رفع نیاز خود لازم است که پیوسته با او در ارتباط باشد و نیاز خود را با او در میان بگذارد. بدین جهت خداوند متعال راهی بنام « دعا » را پیش روی انسان قرار داده است و فرموده: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» «هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، یقیناً من نزدیکم دعای دعا کننده را زمانیکه بخواهد اجابت می کنم، پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند». بقره (۱۸۶)

«بوسیله دعا به مالکیت واقعی خالق خویش اعتراف می کنیم و خود را در پوشش رحمت بی انتهای الهی قرار می دهیم چون که خالق متعال به انسان اجازه می دهد بلکه به او امر می کند به دعا روی آورد و از او درخواست حاجت می کند، بخاطر اینکه عالم هستی در مالکیت و قدرت کامل اوست و زمین و آسمان ها و تمام مخلوقات در قبضه قدرت او هستند و برای همه موجودات مخصوصاً برای انسان امتیاز قائل شده و روزه دعا را به رویش گشوده است تا لیاقت و شایستگی هایش را به کمال برساند». (فتاحی) (۱۳۷۷) انسان هم برای عرضه نیاز خود و طلب فضل و نعمت ، دست به دعا بر می دارد و هم برای آمرزش و نادیده گرفتن خطاهای خود. بنابراین در هر صورت دعا کردن وسیله ای است که اظهار ضعف و عجز انسان به درگاه خداوند متعال را آشکار می سازد.

نکته قابل توجه در باب دعا این است که خداوند امر به طلب حاجت فرموده است و همچنین اجابت آن را نیز بر عهده گرفته است: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم). غافر (۶۰) همچنین در کلام امیر المومنین (علیه السلام) از ضروری ترین اعمال برای انسان به شمار آمده است و به آن ترغیب نموده اند: «مَا الْمُبْتَغَى الَّذِي اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ بِأُحْوَجَ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى الْمُعَانَةِ الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءُ». آن که گرفتاریش به اوج رسیده نیازش به دعا بیشتر از کسی نیست که تندرست و غیر ایمن از بلاست) «حکمت» (۳۰۲) این سخن ترغیب در دعاست و چیزی که آن حضرت فرموده حق است زیرا کسی به ظاهر آسوده و بی بلاست در معنی مبتلاست تا هنگامی که آدمی در قید زندگانی است به حقیقت اهل بلاست، وانگهی از بلاهای محسوس هم در امان نیست بدین سبب واجب است که به پیشگاه خداوند تضرع کند که او را از بلاهای معنوی و محسوس به همه احوال نجات دهد) «ابن ابی الحدید» (۱۳۷۵).

بنابراین انسان با هرنوع گرفتاری اعم از بیماری و فقر یا مسائل مختلف، نیازمند عرضه درخواست به خداوند عالمین است چه آن کسانی غرق در نعمت و آسایش هستند برای آنکه این نعمت از آنان گرفته نشود و چه آنان که از لحاظ مادی و معنوی دچار گرفتاری هستند، همگی به این سلاح نیاز مبرم دارند، و خداوند متعال نیز لطف سرشار خود را از طریق استجابت آن بر این افراد سرازیر کرده است.

«گرفتاردردی، که رنج و بلا گرفتش در آغوش و شد مبتلا

نباشد به ذکر و دعا، در نیاز فزون تر از آن کس، بدهر مجاز

که از تندرستی خود در امان نباشد ز درد و بلای زمان «قاضی کیاسری» ۱۳۷۲

طبق آنچه که ذکر شد، دعای انسان سائل در صورتیکه که بر خیر و صلاح او باشد و ظرفیت آن را دارا باشد، مطمئناً مستجاب خواهد شد، چراکه خداوند متعال وعده استجابت خواسته او را داده است و البته وعده خداوند تخلف ناپذیر است.

امام علی (علیه السلام) (در وصیت خود به فرزندش امام حسن) علیه السلام (به چند موضوع مهم درباب نشانه های رحمت الهی اشاره می فرمایند که در ابتدای این سخنان به موضوع مهم و حیاتی دعا اشاره می فرمایند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، وَتَكَفَّلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ، وَأَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ. بدان خدایی که گنجینه های آسمان ها و زمین به دست اوست، به تو اجازه دعا داده، و اجابت آن را به عهده گرفته، و تو را فرمان داده که از او بخواهی تا به تو ببخشد) ...نامه» (۳۱) خداوند به ما فرمان داده که او را بخوانیم و او نیز وعده داده که درخواست توبه و بخشایش را از ما می پذیرد و دیگر نیازهای ما را نیز برآورده می سازد. اجابت دعا از سوی خداوند در چارچوب دانش و حکمت بی پایان خداوند صورت می گیرد و الزاماً به تحقق خواسته افراد نمی انجامد. فرمان خداوند مبنی بر دعا و نیایش به درگاه خداوند ممکن است از روی آزمایش و امتحان باشد تا مؤمنان حقیقی آشکار شوند و این که چه کسانی پس از عدم اجابت برخی دعاهایشان باز به خداوند اعتماد کامل داشته و به درگاهش نیایش می کنند) «مغنیه» (۱۳۸۷) بنابراین خداوند آسمان ها و زمین از لطف و کرم خویش اجازه طلب حاجت را به انسان در قالب تشویق به این عمل، به او داده است و در پی آن اجابتش را بر عهده گرفته است.

۵- درنگ در عذاب و ثبت معصیت

از دیگر الطاف خداوند متعال نسبت به بندگان که در قرآن کریم و در کلام معصومین نیز بدان اشاره شده است، عدم تعجیل خداوند در ثبت اعمال سیئه انسان و همچنین تاخیر در عذاب افراد خاطی و گنه کار است. پس از آنکه فرد گنه کار عظمت

خالق خود را نادیده گرفته و عهد دیرینه خود با آفریدگار خود را زیر پا گذاشت و در مسیر نافرمانی او قدم نهاد، فرشتگانی که مامور ثبت و ضبط اعمال او هستند، هنگامی که قصد نشستن معصیت او در پرونده اعمالش را دارند به دستور خداوند دست از این کار بر می دارند و به نوعی خداوند متعال به شخص گناهکار فرصت می دهد تا شاید فرد خاطی از کرده خود پشیمان شد و به مسیر طاعت او بازگردد.

طبق عدالت خداوند، شخص گناهکار بایستی بعد از معصیت خود طعم عذاب خداوند را بچشد و عواقب آن چه در دنیا و چه در آخرت و خواه دیر و خواه زود، مشاهده نماید. اما لطف و رحمت خداوند به بندگان باعث می شود که انسان برای پشیمانی و جبران نواقص گذشته، مهلت مجدد بیند و به مسیر صحیح بازگردد. امام علی (علیه السلام) نیز در وصیت خویش به فرزندش امام حسن (علیه السلام) به این رحمت الهی اشاره می نمایند: «وَلَمْ يُعَاجِلْكَ بِالنَقِمَةِ. وَ دَر كَيْفَرِ تَوَشْتَابِ نَكَرَد» (نامه ۳۱)

بنابراین این لطف و رحمت خداوند به انسان همانند دیگر الطاف او باعث ایجاد انگیزه برای بازگشت مجدد و حسن ظن به خداوند متعال می گردد که لازم است انسان پیوسته آن را در زندگی معنوی خود به یاد داشته باشد.

۶-ابتلاء

از دیگر لوازم لطف و رحمت خداوند متعال که می تواند عامل مهم و حیاتی برای ارتقای درجات معنوی انسان و تقرب او به ساحت اقدس الهی باشد، ابتلا و امتحانات الهی است که از سنت های الهی نیز به شمار می آید. سختی و شداید و قرار گرفتن انسان در معرض آن از لوازم تربیت انسان و تقویت ایمان اوست. شهید مطهری می نویسد: «بنابراین سختی و گرفتاری هک تربیت کننده فرد و هم بیدار کننده ملت هاست، شداید همچون صیقلی که به آهن و فولاد می دهد، هرچه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد اورا مصمم تر و فعال تر و برنده تر می کند» (مطهری، ۱۳۷۷)

دلایل بسیاری برای چرایی ابتلای انسان به سختی ها و گرفتاری ها ذکر شده است، اما آنچه که لطف و عنایت خداوند را آشکارتر می سازد و برای انسان ثابت میشود که حتی گرفتاری به درد و غم نیز گوشه ای از لطف و محبت خداوند به بنده خود است، ابتلای انسان به سختی هایی است که خداوند آن را راهی برای ترفیع درجات معنوی او و همچنین آموزش گناهان و خطاهای انسان، قرار داده است. در طول تاریخ افرادی که در زندگی معنوی خود پشرفت های چشمگیری داشته اند و به مقامات عالی رسیده اند، از این امتحانات الهی و گرفتاری های آن بی بهره نبوده اند، حضرت یوسف (علیه السلام) (پس از خودداری از عمل به هوای نفس خویش، حضرت ابراهیم (علیه السلام) (در ماجرای قربانی کردن فرزندش اسماعیل و حضرت ایوب) (علیه السلام) (که پس از گرفتاریها و رنج و درد فراوان از این امتحانات الهی سربلند بیرون آمدند. همچنین در مورد اثر ابتلا و امتحان الهی در محو گناهان انسان، امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند: «وقتی آیه» من یعمل سوءا یجز به (نازل شد، بعضی اصحاب پیامبر گفتند: آیه ای از این سخت تر نیست. پیس پیامبر) ص (به آنان فرمود: این از آن چیز هایی است که خداوند بوسیله آن برای شما حسنه می نویسد و بوسیله آن بدی هارا محو می کند)». (پسندیده، ۱۳۸۹) صاحب مجمع البیان نیز آورده است: «امتحانات و شداید به شما روی می آورند، از طریق نقص و از بین رفتن ثروت، رسیدن مصیبت و نیز سخنان دردآوری که در تکذیب پیامبران از اهل یهود و مشرکان شنیده می شود. اگر از طاعت و بندگی کمک بگیرید و جزع و کم صبری که گناه باشد، نکنید این امتحان رشد و ثواب در پی خواهد داشت» (طبرسی، ۱۳۶۷)

آری این ابتلا و امتحان نیز رحمت و لطف بی انتهای خداوند متعال را به بندگان ابلاغ می نماید، تا شاید هنگام مبتلا شدن، صبر پیشه کنند و از خود استقامت نشان دهند. در کتاب شریف نهج البلاغه نیز به این لطف و عنایت پروردگار اشاره شده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ، وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ، إِخْرَاجاً لِلتَّكَبُّرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَ إِسْكَاناً لِلتَّدَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ، وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فَتْحاً إِلَى فَضْلِهِ، وَ أَسْبَاباً ذُلّاً لِعَفْوِهِ. اما خدای سبحان بندگان را با انواع سختی ها می آزماید، و با کوشش های گوناگون به عبادت و می دارد، و با امور دشوار و ناخوشایند در بوته آزمایش می نهد، تا روحیه تکبر را از دلهایشان بزدايد، و خاکساری و فروتنی را در جانشان جای دهد، و بدین وسیله درهای فضل و رحمت خویش را به روی ایشان بگشاید، و اسباب بخشودن خود را به آسانی در اختیارشان گذارد. خطبه. (۱۹۲)

بنابراین انسان می تواند از طریق امتحانات الهی و تحمل سختی ها و شداید به مقامی بس والا برسد و درجات معنوی خود را ارتقا دهد و این فرصت جز از لطف و رحمت بی انتهای پروردگار متعال به بندگان، ساطع نمی شود.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر به بررسی الطاف خداوند نسبت به بندگان با توجه به مطالب و سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) پرداختیم. در آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) (در مورد الطاف و عنایات خداوند متعال بسیار سخن آورده شده است اما تاکید ما در این مقاله بر مواردی است که در کلام امیرالمومنین (علیه السلام) (در قالب مطالب مربوط به کتاب نهج البلاغه است. آنچه در این کتاب از زبان مبارک امام علی (علیه السلام) (به عنوان الطاف پروردگار جهانیان نسبت به بندگان آورده شده است بدین صورت است - ۱: فرصت توبه و بخشایش گناهان، که انسان پس از ارتکاب معاصی، می تواند از این عنایت خداوند بهره ببرد و از آن بعنوان فرصتی برای بازگشت به مجدد به آغوش خدای خویش استفاده نماید - ۲: امیدبخشی به انسان که از عوامل مهم در تشویق او برای ثبات و استقامت در مسیر بندگی به شمار میرود و بسیار نیز بر داشتن امید به رحمت الهی تاکید شده است - ۳: چند برابر نمودن حسنات نیز از الطاف الهی نسبت به بندگان خویش است که عاملی مهم در تشویق و ترغیب او برای انجام اعمال صالح محسوب می شود - ۴: استجابت دعای بندگان نیز از مواردی است که پروردگار متعال بدان امر فرموده اند و اجابت آن را بر عهده گرفته اند - ۵: سنت ابتلا و امتحان الهی که خداوند آن را همراه با مشکلات و گرفتاری ها بر انسان روانه می دارد و از نتایجی که برای انسان بدنبال دارد میتوان به ارتقا درجات معنوی انسان در دنیا و آخرت و همچنین آموزش گناهان او اشاره کرد.

-منابع-

-قران کریم، ترجمه انصاریان، حسین

-نهج البلاغه، ترجمه شیروانی علی

-ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵

- ابن میثم، میثم بن علی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۲، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵
- آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح غررالحکم، ج ۵، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
- ایراندوست، عباس، خورشید هدایت (ترجمهء منظوم نهج البلاغه)، ج ۳، تهران، نشر نی، ۱۳۴۴
- پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، چاپ پنجم، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۶
- صالحی، اکبر، فصلنامهء آموزه های تربیت در قران و حدیث، شماره ۲، دانشگاه ایلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۴،
- طبرسی، فضل ابن الحسن، مجمع البیان، ترجمهء حسن نوری و همکاران، ج ۲، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۷
- فتاحی، سیدحمید، جوانان در ساحل خوشبختی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷
- قاضی کیاسری، حمید، ترجمهء منظوم کلمات قصار نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۲
- مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰
- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷
- مغنیه، محمد جواد، در سایه سار نهج البلاغه، ج ۵، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمومنین، ج ۳، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵